



بررسی تخفیف مجازات زنان با رویکرد ارتداد از منظر فقه تربیتی

مریم حسینی بحر (نویسنده مسئول)*

مریم وفادار**

چکیده

امروزه که باورهای غلط روزه‌روز بیشتر در میان افراد جای می‌گیرد، تفکر فمینیستی از یک طرف زنان بی‌سواد جامعه را فریب می‌دهد و پیوسته در گوش وی زمزمه بدبختی را القاء می‌کند و از طرف دیگر زنان با سواد جامعه را محکوم به اسیری و محرومیت می‌انگارد. این امر در نهایت به تزلزل خانواده و جامعه می‌انجامد، درحالی‌که دین اسلام نقش حمایتی خویش را در رابطه با زنان بیان می‌دارد. اسلام نسبت به حقوق زن و مرد دیدگاه تساوی دارد، اما شرایط فیزیکی مختلف این دو جنس متعاقباً حقوق و وظایف خاصی را برای هر یک به دنبال دارد. از این رو ضرورت حمایت از زنان به دلیل نقش مهم مادری مورد توجه اسلام قرار گرفته و نگاه جانبدارانه خود را در زمینه‌های مختلف از جمله فقه مطرح نموده است. در این پژوهش که به شیوه توصیفی، تحلیلی و گردآوری کتابخانه‌ای نگارش یافته است، دیدگاه فقها نسبت به جرائم زنان، از جمله بحث «حدود» که به عنوان یکی از تخفیف‌های شرعی است، مورد بررسی قرار گرفته و در نهایت به صورت خاص‌تر به بحث ارتداد و موارد آن که نوعی تخفیف در باب حدود است پرداخته شده است. در نهایت، یافته‌های تحقیق به مهم‌ترین عوامل تربیتی که در این تخفیف اثرگذار بوده، از جمله توجه به روحیات، عواطف و موقعیت اجتماعی زنان، اشاره کرده است.

کلیدواژه‌ها: جرائم، ارتداد، جنسیت، حدود، تخفیف، تربیت.

* دانش‌پژوه کارشناسی‌ارشد فقه و معارف اسلامی (گرایش قرآن) جامعه المصطفیٰ العالمیه نمایندگی

خراسان / m.bahr.7214@Gmail.com

** عضو هیئت علمی گروه فقه و معارف اسلامی، مدرسه عالی خواهران، جامعه المصطفیٰ العالمیه

خراسان / maryam_vafadar@miu.ac.ir



مقدمه

از آغاز پیدایش انسان، جرم و لغزش و در پی آن کیفر مجازات پدید آمد. قوانین و مقررات کیفری هر جامعه وسیله‌ای برای حفظ و حمایت از حقوق و آزادی‌های فردی و اجتماعی می‌باشد.

در شریعت اسلامی نظام کیفری و شناسایی جرایم، مبنای اخلاقی دارد. اسلام در جهت رشد و تعالی شخصیت فردی از طریق ممنوع کردن کارهای ضد اخلاقی و شناسایی آن به عنوان جرم و تعیین کیفر برای آن موانع باز دارنده‌ای از ارتکاب آن پیش‌بینی کرده است. حدود و قوانین کیفری اسلام برای تضمین نظم و امنیت و پاسداری حقوق خدا وضع شده و برای رسیدن به این اغراض لازم است با اجرای آن‌ها عدالت برقرار گردد.

قوانین و احکام تشریح مطابق با تکوین است و این هماهنگی را باید در جمع تکالیف و وظایف محوله به عهده زن و مرد، نیز در تفاوت میزان مجازات آن‌ها در جرایم یکسان پیگیری کرد. از آنجایی که زن یا مرد بودن در نظام ارزشگذاری اسلامی برتری نیست و هر دو جنس در انسانیت مشترک و موظف به پیمودن مسیر تکامل و رشد می‌باشند و ملاک ارزش نیز تقوا است، لذا زن و مرد هیچ تفاوتی ندارند و حتی مجازات‌ها آنان هم مشترک است، اما در قوانین کیفری اسلام مواردی مشاهده می‌شود که احکام جزایی زن و مرد متفاوت می‌باشد و فقه جزایی در این موارد ارفاق‌هایی برای زنان قایل شده است و موارد ارفاق نیز منحصر به مواردی است که ساخت جسمی و بافت روحی زن در تحمل تکلیف با مرد متفاوت است. برخی از مقالاتی که در زمینه تخفیف مجازات زنان کار شده است، عبارت‌اند از:

۱. مقاله «وجوه تخفیف مجازات زنان در فقه و قوانین موضوعه ایران»، تألیف مصطفی بخرد و همکران؛

۲. مقاله «تأثیر جنسیت زنان بر تخفیف مجازات جرایم حدی در فقه امامیه»، نوشته نیکو نیکزر و حسین ابویی مهریزی.

این تحقیق به روش توصیفی، تحلیلی و با هدف بیان این احکام و موارد آن انجام شده است و در پی پاسخ به این سؤال است که: از منظر فقهی تخفیف مجازات زنان با رویکرد ارتداد چیست و چه عوامل تربیتی در این تخفیف دخیل بوده است؟

۱. هدف از تخفیف به صورت عام

«تخفیف» ضد التقیل، (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۷۹ / ۹؛ جمعی از پژوهشگران زیر نظر شاهرودی، ۱۴۲۶: ۳۹۴ / ۲) و منه قوله تعالی: «ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ» (بقره: ۱۷۸) است. این واژه در لغت به معنی سبک کردن، کاستن، تسکین دادن و آرام دادن است و در اصطلاح عبارت است از برداشتن مشقت حکمی که در اصل دارای مشقت نیست، لیکن بر اثر عوارضی برای برخی مکلفان دارای مشقت غیر متعارف گردیده است. بنابراین به آسان قرار دادن حکم در مقام تشریح، تخفیف اطلاق نمی شود.

به همین علت اخص از تیسیر است، چرا که تیسیر آسان قرار دادن احکام در مقام تشریح است و یا برداشتن حکم که به سبب ظروف خاص و حالات خاص برای مکلف حرجی شده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۶۷۷ / ۲-۶۷۹)

اصل سهولت از عام‌ترین، اصلی‌ترین و کاربردی‌ترین قواعد فقهی و بازگو کننده روح دیانت و شریعت است. آموزه ها و قوانین اسلامی به آسان‌گیری بر مردم و تسهیل وظایف آنان گرایش زیادی دارد و فقط در مواضعی که ایمان و اخلاق جامعه در معرض تباهی قرار گیرد و مصلحت عمومی به خطر افتد و نرمی و ملایمت نیز چاره‌سازی نکند، به سخت‌گیری





نزدیک می‌شود، چرا که روح غالب در آموزه‌ها و دستورهای اسلامی به تساهل و تخفیف و

جلب قلوب معطوف است. (ناصری مقدم، ۱۳۸۰: ۳)

ریشه‌های این اصل مهم در قرآن کریم و روایات آمده است و اصولیان و فقیهان در مواضع مختلف، از آن استفاده کرده‌اند، هرچند جز دسته‌قلیلی مانند محقق اردبیلی، آن را تحت قاعده «لا حرج» قرار داده‌اند.

آیاتی از قرآن مجید بر این اصل دلالت دارد، از جمله:

۱. «يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَ لَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ». (بقره: ۱۸۵) خدا برای شما آسانی می‌خواهد و دشواری نمی‌خواهد.

۲. «سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا». (طلاق: ۷) پس با دشواری آسانی است.

۳. «يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَ خُلِقَ الْإِنْسَانُ ضَعِيفًا». (نساء: ۲۸) خدا می‌خواهد تا بارتان را سبک گرداند و انسان ناتوان آفریده شده است.

پس تساهل و تسامح خمیرمایه دین اسلام را تشکیل می‌دهد. رسول گرامی اسلام ﷺ نیز اصل برانگیخته شدن دین خود را بر اساس «سماحه و سهله» معرفی کرده است: «بُعِثْتُ بِالْحَنِيفِيَّةِ السَّمْحَةِ السَّهْلَةِ». (مجلسی، ۱۳۶۳: ۷/ ۹۰)

یکی از حوزه‌هایی که اسلام مورد مسامحه قرار داده است، نوع کیفر در باب حدود است. نادیده گرفتن این اصول بنیادین که روح و جوهره شریعت را سامان می‌دهد، تهی شدن قوانین از معنا، سیطره ظاهربینی بر ژرفا اندیشی و احساس تناقض میان دین داری و حیات دنیوی و... را به دنبال دارد.

شهید مصطفی خمینی می‌نویسد: «فقه واقعی آن است که بدانیم اسلام دین سهله و مسامحه است. (خمینی، ۱۳۸۵: ۲/ ۶۸۸) همان گونه در حدیث آمده است: «إِنِّي بُعِثْتُ

عَلَى الشَّرِيعَةِ السَّمْحَةِ السَّهْلَةِ». (فیض کاشانی، ۱۴۰۶: ۶/ ۶۹)

۲. توجه به جنسیت

تفاوت‌هایی در ساختار طبیعی زن و مرد وجود دارد که خود موجب متفاوت بودن وظایف طبیعی و مزایای اجتماعی می‌گردد. لازمه حقوق فطری و انسانی زن و مرد عدم تشابه آنان در پاره‌ای از موارد است.

در مواردی از جرایم تخفیفاتی برای زنان نسبت به مردان وجود دارد که بعضی از این مجازات‌ها با توجه به شرایط و حالات خاص زنان با تأخیر انجام می‌شود که می‌توان آن‌ها را نیز نوعی تخفیف در حق زن دانست، که آن حالات و شرایط گاهی به دلیل جنسیت او و گاهی به دلیل مادر بودنش و گاهی مواقع نیز بعضی از مجازات‌ها اصلاً متوجه زنان نمی‌باشد و آنان از کیفر آن‌ها معاف هستند.

یکی از مهم‌ترین مسائلی که در دادرسی‌های کیفری و در مرحله تعیین مجازات مورد توجه قرار می‌گیرد، موضوع تخفیف و تشدید مجازات است.

قاضی کیفری در راستای اصول فردی کردن مجازات‌ها سعی می‌کند با در نظر گرفتن شرایط و ویژگی‌های متهم، مجازات متناسبی را در مورد او تعیین نماید. در این راستا اختیاراتی که در زمینه تخفیف و تشدید مجازات‌ها در قوانین جزایی پیش‌بینی شده است از مهم‌ترین ابزارهایی است که در جهت تعیین مجازات متناسب به قاضی کمک می‌کند.

تفاوت‌های جنسیتی بیشتر در حیطه تخفیف مجازات‌ها مطرح و قابل ملاحظه است که به عنوان مصداق می‌توان به موارد زیر اشاره نمود:

۱. در زنا بکر مرد علاوه بر صد تازیانه، تبعید شده و سر او تراشیده می‌شود، اما زن صرفاً حدّ جلد می‌خورد.

۲. در زنا بکر اعم از محصن و غیر محصن، مکره به قتل محکوم می‌شود، اما اگر زن مکره غیر محصنه باشد صد تازیانه می‌خورد.





۳. حکم مرد مرتد از نظر اسلام اعدام است، اما زن مرتد را زندانی کرده و در اوقات نماز تازیانه می‌زنند تا یا بمیرد یا توبه نماید. (بخرد و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۳۳-۱۵۹)

۳. ارتداد

«ارتداد» که از واژه «رد» گرفته شده، در لغت به معنای «بازگشت» است. در فرهنگ دینی، بازگشت به کفر، «ارتداد و رده» نامیده می‌شود. (راغب اصفهانی، ۱۳۶۵: ۱۹۳-۱۹۲)

تمام مذاهب اسلامی از دین برگشتگی را عبارت از کافر شدن از روی عمد و آگاهی می‌دانند و ارتداد را با انکار آن دسته عقاید و احکامی که در اسلام ثابت هستند، یعنی رفتارهایی چون اهانت به ساحت مقدس خداوندی یا به ساحت پیامبر اکرم ﷺ و یا مباح شمردن حرام‌ها یا انکار واجبات و همانند آن می‌پذیرند. مذهب تشیع علاوه بر انکار اصول دین، انکار اصول مذهب یعنی انکار امامت و معاد را نیز جزء ارتداد می‌داند. البته مسئله ارتداد و احکام جزایی مترتب بر آن، به اسلام اختصاص ندارد و در برخی از ادیان دیگر و مذاهب بزرگ نیز مطرح شده است.

فقه‌های اهل سنت و شیعه، ارتداد را با تعبیر گوناگونی مطرح نموده‌اند که در مفهوم تضادی با هم ندارند. در موضوع ارتداد در باب احکام ضروری دین جحد به معنای خاص، یعنی انکار با علم به حقانیت آن ملاک است، بنابراین در صورتی که شخص چیزی از اصول یا ضروریات دین را انکار کند، هر چند چنین انکاری صرفاً در دل باشد و آن را اظهار نکند، ارتداد تحقق می‌یابد و اظهار و اعلام شعار کفر شرط تحقق و ثبوت ارتداد نیست، اما اگر نسبت به اصول دین یا ضروریات آن شک و شبهه داشته باشد، ولی انکار نکند، ارتداد محقق نمی‌شود.

۳. ۱. انواع مرتد

در فقه امامیه، مرتد دو نوع است؛ مرتد فطری و مرتد ملی؛ و هر یک احکامی جداگانه دارد.

۱. مرتد فطری کسی است که پدر یا مادرش، هنگام انعقاد نطفه وی مسلمان بوده‌اند و او بعد از بلوغ، آیین اسلام را پذیرفته و سپس به کفر روی آورده است؛ مانند سلمان رشدی که پدرش مسلمان بوده است. برخی از فقها مانند شهید ثانی در «مسالک الافهام» اسلام حکمی به علاوه کفر بعد از بلوغ را برای تحقق مرتد فطری کافی دانسته‌اند. (نجفی، ۱۳۷۰: ۶/۴۸۸-۴۸۹؛ همان: ۶۰۱/۴۱)

منظور از «اسلام حکمی» این است که فرزند نابالغ از جهت اسلام و کفر تابع پدر و مادر است. پس اگر حداقل یکی از آن دو مسلمان باشند، فرزند نیز در حکم مسلمان است، ولی نظر غالب فقها مخالف این است و اسلام حکمی را برای جریان حکم ارتداد کافی نمی‌دانند.

۲. مرتد ملی کسی است که پدر و مادرش، هنگام انعقاد نطفه وی کافر بوده‌اند و او بعد از بلوغ، اظهار کفر کرده است، سپس مسلمان شده و بعد از آن دوباره به کفر بازگشته است. (امام خمینی، ۱۳۶۳: ۱/۴۹۹)

برخی از فقها کفر پدر یا مادر، هنگام ولادت طفل را شرط دانسته‌اند، نه هنگام انعقاد نطفه. (کاسانی، بی تا: ۵۶۷)

۳. ۲. شروط تحقق ارتداد در مذاهب اسلامی

۳. ۲. ۱. بلوغ

از جمله شروط تحقق ارتداد، بالغ بودن شخص مرتد است، حتی اگر همراه باشد (نزدیک به بلوغ). امامیه به اجماع این شرط را قبول دارند به جز شیخ طوسی که حکم به ارتداد همراه





نموده است. (غروی و دیگران، ۱۴۱۹: ۵/۲۱۳) همچنین در میان مذاهب اهل سنت، شافعیه و مالکیه و حنبلیه، بلوغ را برای تحقق ارتداد شرط دانسته‌اند، ولی حنفیه بلوغ را شرط ندانسته و برخی از حنابله هم ارتداد کودک ممیز را صحیح دانسته‌اند.

۳.۲.۲. عقل

عقل نیز از آنجا که جزو شرایط عامه تکلیف است، در تحقق ارتداد لازم است. در نتیجه شخصی که فاقد قوه تمییز باشد، نباید بر قول و عملش اثری بار کرد و بر آن حکمی مترتب نمود. به همین جهت شخص مست و مجنون از مصونیت برخوردار است و مجازات نمی‌شود.

امامیه و مذاهب فقهی چهارگانه اهل سنت این شرط را قبول دارند. از نظر امامیه ارتداد مست همانند مجنون پذیرفته نیست، حنفیه، مالکیه و حنبلیه نیز مانند امامیه ارتداد مست را پذیرفته‌اند، ولی شافعیه و حنبلیه در یک قول حکم به ارتداد مست داده و گفته‌اند: پس از زوال مستی مرتد استتابه می‌شود و چنان که توبه نکند، کشته می‌شود. (جمال عبدالناصر،

۱۴۱۱: ۴/۲۵۵)

۳.۲.۳. اختیار

اگر شخصی از روی اجبار و اکراه از اصول دین یا ضروریات آن تبری جوید، به ارتدادش حکم نمی‌شود، همه مذاهب اسلامی از امامیه و اهل سنت به دلیل آیه «إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ...» (نحل: ۱۰۶)^۱ این شرط را پذیرفته‌اند.

۱. هرکس بعد از آنکه به خدا ایمان آورده از روی اختیار کافر شود نه از روی اجبار که دلش آکنده از ایمان بود.

۳. ۲. ۴. علم به مضمون لفظ

این مطلب نزد برخی فقهای امامیه ثابت است (طوسی، ۱۳۷۰: ۲۳۹/۷) و باید شخص به محتوا و مضمون سخنی که بر زبان آورده است، علم داشته باشد وگرنه به ارتدادش حکم نمی‌شود. مذاهب اهل سنت این شرط را برای تحقق ارتداد قبول ندارند. (غروی و دیگران، ۱۴۱۹: ۵/۶۴۰)

۳. ۳. مجازات زن مرتد در فقه امامیه

فقهای امامیه در مورد زن مرتد بین فطری و ملی فرقی قائل نیستند و برای هر دو مجازات یکسانی را جاری می‌کنند.

۳. ۳. ۱. حبس و شکنجه

از جمله مجازات هایی که برای زن مرتد در نظر گرفته شده است، زندانی کردن و زدن او در اوقات نماز است، ولی کیفر قتل که در مورد مرتد مرد جاری می‌شود درباره زن مرتد جاری نمی‌شود.

از جمله ادله ناظر به این مسئله روایاتی هستند که صراحتاً به عدم قتل او اشاره می‌کنند:

۱. در موثقه غیاث بن ابراهیم، حضرت مجازات زن مرتد را حبس معرفی کرده است: «عَنْ غِيَاثِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ عَلِيٍّ ع قَالَ: إِذَا أَزْدَتِ الْمَرْأَةُ عَنِ الْإِسْلَامِ لَمْ تُقْتَلْ وَ لَكِنْ تُحَبَسُ أَبَدًا». (طوسی، ۱۴۱۳: ۱/۱۲۸)

۲. روایت حسن بن محبوب که حضرت فرموده است اگر زن مرتد پس از استتابه، توبه نکرد زندانی می‌شود و مورد آزار و اذیت قرار می‌گیرد:





عَنِ الْحَسَنِ بْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ عَبَّادِ بْنِ صُهَيْبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
الْمُرْتَدُّ يَسْتَتَابُ فَإِنْ تَابَ وَإِلَّا قُتِلَ قَالَ وَالْمَرْأَةُ تُسْتَتَابُ فَإِنْ تَابَتْ وَإِلَّا حُبِسَتْ
فِي السِّجْنِ وَأُضِرَّ بِهَا. (همان: ۱۲۹)

۳. روایتی از امیرمؤمنان علیه السلام نقل شده است که حضرت در مورد زن مرتد فرموده‌اند که زندانی می‌شود تا اینکه اسلام بیاورد یا بمیرد:

عَنْ عَلِيِّ علیه السلام أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا اِزْتَدَّتِ الْمَرْأَةُ فَالْحُكْمُ فِيهَا أَنْ تُحْبَسَ حَتَّى تُسَلِّمَ أَوْ تَمُوتَ وَ لَا تُقْتَلُ...». (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۱۸/۱۶۶)

این روایات به طور صریح کیفر قتل را در مورد زن مرتد منتفی می‌دانند و فقط کیفر حبس و آزار و اذیت بدنی را برای او تحویز کرده‌اند.

فقها نیز در مورد این نوع کیفر برای زن مرتد اتفاق نظر دارند. شیخ طوسی در مبسوط آورده است که زن مرتد زندانی می‌شود، ولی کشته نمی‌شود و در پاسخ به کسانی که به کیفر قتل برای زن مرتد معتقدند و به این واقعه که پیامبر صلی الله علیه و آله هنگام فتح مکه حکم قتل دو کنیز آوازه‌خوان ابو جهل را داد، استناد می‌کنند که حکم قتل آن‌ها به دلیل ارتداد نبوده، چون آن‌ها اصلاً اسلام نیاوردند بلکه کافر بودند و حکم قتل آن‌ها به خاطر این بود که پیامبر صلی الله علیه و آله را سب کرده بودند. (طوسی، ۱۳۸۸: ۷/۲۸۲)

امام خمینی ره نیز گفته است زن مرتد کشته نمی‌شود، گرچه فطری باشد، بلکه حبس ابد می‌شود و در اوقات نماز کتک می‌خورد، در مایحتاج زندگی بر او سخت می‌گیرند و توبه وی پذیرفته می‌شود، اگر توبه کرد از زندان آزاد می‌شود. (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۲/۴۹۴)

۳.۳.۲. قطع علقه زوجیت

همان گونه که در مورد مرد مرتد گفته شد که به واسطه ارتداد او علقه زوجیت بین زن و شوهر از بین می‌رود، در مورد زن مرتد هم باید گفت که در صورت توبه نکردن زن، پیوند بین او و شوهرش از بین می‌رود و باید از شوهرش جدا شود.

از جمله ادله‌ای که برای نقض علقه ی زوجیت به واسطه ی ارتداد زن به آن استناد می‌کنند آیه دهم سوره ممتحنه است که خداوند سبحان فرموده است: «وَلَا تُنْسِكُوا بِعِصَمِ الْكَوَافِرِ؛ و هرگز زنان کافر را در همسری خود نگه ندارید».

در تفسیر این آیه آمده است که «عصم» جمع عصمت است که به معنای عقد و ازدواج دائمی است و به این دلیل آن را عصمت نامیده‌اند که زن را حفظ و ناموسش را نگاهداری می‌کنند. «امساک عصمت» به معنای این است که در صورت کافر بودن زن، باز هم عقد ازدواج او را ابقا دارند. بنابراین به حکم این آیه، مرد مسلمان باید در اولین روزی که به اسلام در می‌آید زنان کافر خود را رها کند، چه اینکه زنان، مشرک باشند یا یهودی و نصرانی و مجوس. (طباطبایی، ۱۳۶۳: ۱۹/۴۰۹)

مرحوم خویی در توضیح این آیه گفته‌اند این آیه دلالت بر جدایی زن مرتد از شوهرش می‌کند، زیرا آیه دلالت می‌کند که همسر مرد مسلمان نباید کافر باشد و زن مرتد نیز یکی از انواع کافر است. (خویی، ۱۴۲۲: ۱/۴۰۱)

اجماع امت از دیگر ادله‌ای است که در این زمینه ارائه می‌شود. از مجموع کلام فقها به دست می‌آید که همگی به نقض زوجیت به واسطه ارتداد زن معتقد بوده‌اند، ولی در مورد زن غیر مدخوله معتقدند که به محض ارتداد، نکاح فسخ می‌شود، ولی در مورد زن مدخوله فسخ نکاح متوقف بر انقضای عدّه است که اگر زن در ایام عدّه، توبه نکند نکاح فسخ می‌شود.





۳.۳.۳. زوال ملکیت

روایات هیچ گونه دلالتی ندارند که ملکیت مرتد درباره اموالش به محض ارتداد زایل شود و فقها نیز تنها به زوال ملکیت مرتد فطری به محض ارتدادش معتقدند، اما در مورد مرتد ملّی و زن مرتد معتقدند ملکیتشان همچنان باقی است؛ چون دلیلی بر زوال ملکیت آنها وجود ندارد و اصل، بقای ملکیت است و زوال مالکیت آنها تنها متوقف بر مرگ آنهاست. صاحب جواهر در تبیین نظر محقق حلی گفته است که اموال زن مرتد بین ورثه اش تقسیم نمی شود؛ به جهت اینکه احتمال توبه کردنش وجود دارد و تنها در صورت مرگ اموالش بین ورثه اش تقسیم می شود. (نجفی، ۱۳۷۰: ۳۹/۳۴)

امام خمینی رحمته الله علیه معتقدند که زن مرتد اموالش در ملکیتش باقی می ماند و به ورثه اش منتقل نمی شود مگر به واسطه مرگش. (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۲/۳۶۷)

بنابراین چون دلیلی بر زوال ملکیت زن مرتد وجود ندارد باید اصل را بقای مالکیت او بدانیم.

۳.۳.۴. روایات ناظر به استتابه زن مرتد

روایت ابن محبوب است که حضرت به استتابه (درخواست توبه) زن مرتد امر کرده اند.

عَنِ ابْنِ مَحْبُوبٍ عَنْ غَيْرِ وَاحِدٍ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْمُرْتَدِّ يَسْتَتَابُ فَإِنْ تَابَ وَإِلَّا قُتِلَ وَالْمَرْأَةُ إِذَا ارْتَدَّتْ اسْتُيْتَبَتْ فَإِنْ تَابَتْ فَرَجَعَتْ وَإِلَّا خُلِدَتْ السُّجْنَ وَصُيِقَ عَلَيْهَا فِي حَبْسِهَا. (کلینی، ۱۴۰۱: ۷/۲۵۴)

بنابراین آنچه از مجموع روایت فهمیده می شود این است که مرتد فطری مرد استتابه نمی شود، ولی مرتد ملّی و همچنین زن مرتد استتابه آنها واجب است.



فقطها نیز قابل اند مرتد فطری مرد استتابه نمی شود، ولی استتابه مرتد ملی و زن مرتد واجب است. شیخ طوسی معتقد است که مرتد فطری استتابه نمی شود و مرتد ملی و زن مرتد استتابه می شوند. (طوسی، ۱۳۸۸: ۷/ ۲۸۲)

در نتیجه با استناد به ادله فوق باید گفت که مرتد فطری استتابه نمی شود، اما استتابه مرتد ملی و همچنین زن مرتد واجب، و بدون استتابه نمی توان آن‌ها را مجازات کرد.

۴. عوامل تربیتی اثرگذار در تخفیف مجازات زنان مجرم

جنسیت در حقوق کیفری ایران و تعیین نوع مجازات اهمیت و تأثیر فراوانی دارد و این موضوع از جهات گوناگون مورد توجه مراکز علمی محاکم کیفری و صاحب نظران عرصه ی کیفر شناسی و تئوری پردازان جرم انگاری قرار گرفته است. اجرای حدود و کیفرها اعم از مجازات پیشگیرانه و سزادهی تنبیهی و اقدامات تأمینی و تربیتی از لوازم و اسباب برقراری نظم، ثبات و امنیت در هر اجتماع به شمار می آیند. و اینکه همگان در برابر قانون یکسان می باشند، اصلی غیر قابل انکار است، اما با این حال در حقوق کیفری ایران که برگرفته از مبانی حقوق اسلامی و محور و مقصد اساسی آن رهنمون کردن به عدالت و سلامت مدنی است، در تعیین میزان کیفر و وضع برخی قوانین و ضوابط نوع خلقت، ویژگی های جسمی و روحی و جنسیت افراد و موقعیت های آنان ملحوظ است. (پاینده، ۱۳۹۳: ۲)

در مواردی از جرایم تخفیفاتی برای زنان نسبت به مردان وجود دارد که بعضی از این مجازات ها در بعضی موارد، با توجه به شرایط و حالات خاص زنان با تاخیر انجام میشود که می توان آن ها را نیز نوعی تخفیف در حق زن دانست که آن حالات و شرایط گاهی به دلیل جنسیت او و گاهی به دلیل مادر بودنش و گاهی مواقع نیز بعضی از مجازات ها اصلاً متوجه زنان نمی باشد و آنان از کیفر آن ها معاف هستند. (ولایتی، ۱۳۹۰: ۳)



۵. چرایی تخفیف در مجازات زنان از منظر تربیتی

پس از ذکر موارد تخفیفاتی جرایم زنان نسبت به مردان، در این قسمت به این می‌پردازیم که آموزه‌های فقهی با چه نگاه تربیتی این تخفیف را قرار داده است.

۵. ۱. توجه به ظاهر زن و حفظ زیبایی‌های او

داشتن مو در زیبایی ظاهری هر انسانی علی‌الخصوص زنان بسیار مؤثر است، به همین دلیل شارع مقدس در جرایم قوادی^۱ و زناى زن غیر محصن یا زنی که به عقد مردی درآمده، ولی هنوز نزدیکی با او صورت نگرفته، مجازات تراشیدن سر را برای زنان لغو کرده است.

۵. ۲. آسیب‌پذیر بودن روحیه زنان

دور بودن زن از خانواده و علی‌الخصوص فرزندان می‌تواند مهم‌ترین عامل در تخریب روحیه حساس او و در نهایت منتهی شدن به انواع بیماری‌های روحی و روانی باشد که در مجازات تبعید، این مورد هیچ‌گاه خواست شارع مقدس نبوده است. هرچند برخی از زنان روحیه قوی مشابه مردان را دارا می‌باشند اما شارع، عموم زنان را در نظر داشته و نیز به دلایل دیگری که در ادامه ذکر می‌شود این نوع از مجازات را برای زنان در نظر نگرفته است.

۵. ۳. جلوگیری از گسترش فساد

یکی از اهداف جعل مجازات، متنبه شدن فرد خاطی می‌باشد تا به خاطر سختی‌یی که در حین اجرای مجازات تحمل می‌کند دیگر به فکر تکرار یا ادامه جرم نیفتد. علاوه بر آن یکی دیگر از موارد جلوگیری از گسترش فساد و اشاعه آن در محیطی است که مجرم در آنجا

۱. شخصی دو یا چند نفر را برای عمل ناشایست زنا یا لواط به هم برساند (امام خمینی، ۱۳۷۴: ۴۷۱/۲)

وجود دارد، چه بسا تبعید زنان و مستقل زندگی کردن، آنها را از نظر تأمین مخارج معیشتی دچار مشکل کند و در نهایت به این امر منتهی شود که نه تنها مجرم از کار خود متنبه و پشیمان نمی‌شود بلکه مجبور می‌شود مجدد اعمال ناپسند خود را تکرار کند و به علت دور بودن او از خانواده و اقوام و آشنایان و نداشتن نظارت خانواده بر او چه بسا اعمال زشت‌تری را انجام دهد و مجازات نتیجه معکوس در پی داشته باشد به همین علت مجازات تبعید در اکثر جرایم برای زنان صادر نگردیده است.

۵.۴. لزوم رعایت مستور ماندن زن از دید بیگانگان

همان‌طور که از دلایل وجوب رعایت حجاب توسط زنان لزوم رعایت مستور ماندن زن از دید نامحرمان و ناپاکان است، پس همین اصل می‌تواند در تعارض با واجب شدن مجازات تبعید در جرایمی مانند زنا و قیادت برای زنان مشابه با مردان، قرار گیرد، زیرا تبعید دقیقاً عین قرار گرفتن زن در همان جایی است که در مورد آن نهی وارد شده است.

۵.۵. تعلق مجازات به خود شخص مجرم

مجازات تبعید زن و به تبع آن دوری زن از همسر و فراهم نبودن امکان تمکین باعث می‌شود مرد ناخواسته به مجازاتی محکوم گردد که لایق آن نبوده است.

۵.۶. ضرر کردن شخصی به غیر از خود مجرم

پیامبر ﷺ فرمودند: «و لیس للمرأة أن تسافر إلا مع ذی محرم لها» (مفید، ۱۴۱۳: ۲۹) به این معنا که زنان نباید بدون همراهی مرد محرم به مسافرت بروند؛ پس تبعید نیز که نوعی سفر و دورشدن از شهر محل زندگی است باید با همراهی مرد محرمی باشد، حال آنکه در مجازات شخص دیگری به غیر از خود مجرم نباید متضرر گردد.





۵. ۷. غلبه احساسات در زنان

زنان به علت تفاوت‌های خلقت که مهم‌ترین آن در روحیه آنها پدیدار است، بعضاً ثبات کمتری در فکر و اندیشه‌شان دارند و با تغییر موقعیت و شرایط ممکن است تصمیمات خود را تغییر دهند. می‌توان یکی از آن موارد را در مورد زن مرتد فطری نام برد که شاید در مورد او نیز صادق باشد و به همین علت مجازات اعدام در ارتداد فطری برای شخصی در نظر گرفته شده است که دارای ثبات نظر باشد که عموماً شامل حال مردان می‌شود. همان طور که در مرتد ملی هم مجازات اعدام -چه برای مردان و چه برای زنان- در نظر گرفته نشده است، چرا که او کسی است که از پدر و مادر غیر مسلمان زاده شده و پس از بلوغ گرایش به اسلام پیدا کرده و بعد از مدتی مجدد به کفر خود باز می‌گردد، پس چنین شخصی در نظر قانونگذار دارای ثبات فکری نبوده است و تصمیمات خود را بعضاً از روی هوا و هوس می‌گیرد.

۵. ۸. قدرت جسمانی زن و ضعیف بودن او

زنان در مقایسه با مردان بدن ضعیف‌تر و قدرت جسمانی کمتری دارند و چه بسا تبعید مجرم زن -به خصوص آنکه برای تبعید محکومین را به مناطق آب‌وهوایی سخت‌تر از منطقه زندگی خود می‌فرستند- و تأمین هزینه‌های زندگی در شرایط دشوار، خارج از طاقت او باشد. ردیدی نیست که تفاوت‌هایی در ساختار طبیعی زن و مرد وجود دارد که خود موجب متفاوت بودن وظایف طبیعی و تکالیف و مزایای اجتماعی می‌گردد و لازمه حقوق فطری و انسانی زن و مرد عدم تشابه آن‌ها در پاره‌ای از حقوق و تکالیف است. (اخوت، ۱۳۸۵: ۳)

۵. ۹. توجه به شأن زن در اسلام

برهنه کردن زن، شأن و شخصیت او را زیر سؤال می‌برد پس در حین اجرای جلد، داشتن پوشش برای او ضروری است، پس این امر منجر به تفاوت قائل شدن در نوع پوشش شرایط

اجرای جلد می‌شود به طوری که حد جلد مرد زانی ایستاده و در حالی که پوششی جز ساتر عورت نداشته باشد، باید اجرا گردد و تازیانه به شدت به تمام بدن وی غیر از سر و صورت و عورت زده می‌شود درحالی‌که تازیانه را به زن زانی در حالی می‌زنند که زن نشسته و لباس‌های او به بدنش بسته باشد.

۵. ۱۰. توجه به مصالح و منافع فرزندان

از حداقل منفعی که یک طفل باید از آن برخوردار گردد حق حیات و پس از آن تغذیه شیر مادر و پرورش اوست که هر دوی این موارد با اجرای مجازات در زمان بارداری زن منافات دارد و همچنین در مجازات‌هایی که منجر به مرگ مادر حامله می‌شود؛ مانند رجم، طفل داخل رحم گناهی نکرده است که مستوجب چنین عقوبتی و در نهایت از دست رفتن جان او شود. بنابراین اسلام با توجه به دلایل بالا نقش مهم تربیتی زن جامعه که نقش همسری و در نهایت مادری خانواده است را از نظر دور نداشته و همواره تأکید بر الگوی نمونه دارد. لذا در جرایم او که یکی از آنها ارتداد است با دیده سهل‌نگریسته و به شخص او محبت ورزیده است. (بخرد و دیگران، ۱۳۹۷: ۱۳۴-۱۵۴؛ نیک‌زر و ابویی مهریزی، ۱۳۹۷: ۹-۲۰)

لذا هیچ حکمی را در اسلام نمی‌توان یافت که در آن مصلحتی وجود نداشته باشد، هرچند در بعضی موارد، مصلحت جعل قانون بر بسیاری از مردم پوشیده مانده است، اما در وجود آن شکی نیست. مقررات جزایی اسلام، کیفر را به عنوان آخرین اقدام در راستای تأدیب و تربیت افراد، اصلاح جامعه و از بین بردن تباهی‌های مورد نظر قرار داده و اسلام در این مورد ارفاقی به زن قائل شده است. (ولایتی، ۱۳۹۰: ۱)

نتیجه:

در قوانین فقهی اسلام، تسامح و تسهیل یکی از پرکاربردترین قواعد فقهی است که نشان دهنده روح متعالی دین مبین اسلام بوده و علما از آن غافل نبوده‌اند. اسلام حتی به جنسیت



زن و مرد توجه کرده و رویکرد حمایت‌گرایانه تری نسبت به زن به دلیل نقش مادری و نقش همسری و وظیفه خطیری که در پرورش نسل آینده دارد داشته و تخفیفاتی را هم برای او لحاظ کرده است. ارتداد زن در باب حدود یکی از تخفیفاتی است که در فقه بیان شده است. علمای شیعه و سنی هر یک نظرات گوناگونی داشته‌اند، اما از نظر امامیه تخفیف در کیفر زن مرتد یا به دلیل روایاتی است که بیان شده است و یا به دلیل ساختار فیزیولوژیک وی می‌باشد. روحیه خاص و عواطف لطیف زن و موقعیت اجتماعی او از جمله عوامل تربیتی اثرگذار در تخفیف مجازات وی است.

منابع و مآخذ:

قرآن کریم

۱. ابن قدامه، عبدالله بن احمد (۱۳۶۴)، *المقنع*، تهران: المیزان.
۲. ابن منظور (۱۴۱۴)، *لسان العرب*، محقق: احمد فارس، بیروت: دار الفكر للطباعة و التوزیع - دار صادر.
۳. بخرد، مصطفی و همکاران (۱۳۹۷)، «وجوه تخفیف مجازات زنان در فقه و قوانین موضوعه ایران»، *دوفصلنامه حقوق بشر*، ش ۲۵.
۴. هاشمی شاهرودی، سید محمود و جمعی از پژوهشگران (۱۴۲۶)، *فرهنگ مطابق فقه اهل بیت (علیهم‌السلام)*، دائرة المعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت (علیهم‌السلام).
۵. جهانگیری، محسن (۱۳۸۵)، *بررسی تمایزهای فقهی زن و مرد*، قم: مرکز چاپ و نشر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم.
۶. حسینی، سید هادی و همکاران (۱۳۸۴)، *کتاب زن*، تهران: امیر کبیر.
۷. حلی، جعفر بن حسن (۱۴۱۵)، *شرایع الاسلام*، ج ۴، تهران: استقلال.

۸. خویی، سید ابوالقاسم (۱۴۲۲)، مبانی تکملة المنهاج، قم: مؤسسه احیاء آثار امام خوئی رحمته الله علیه.
۹. راغب اصفهانی، حسین بن محمد (۱۳۶۵)، المفردات فی غریب القرآن، قم: جامعه مدرسین.
۱۰. صبحی، صالح (۱۳۷۳)، الاسلام و مستقبل الحضاره، بیروت: دارالوقتیه.
۱۱. طباطبایی، سید محمد حسین (۱۳۶۳)، المیزان، قم: دفتر انتشارات اسلامی.
۱۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۳۳)، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۱۳. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۸۸)، المبسوط، ج ۲، تهران: المکتبه المرتضویه لاحیاء آثار جعفریه.
۱۴. طوسی، محمد بن حسن (۱۴۱۳)، تهذیب الاحکام، ج ۲، بیروت: دار الاضواء.
۱۵. عبدالناصر الفقیهه، جمال (۱۴۱۱)، مجموعه من کبار استاذہ الفقه الاسلامی، المجلس الاعلی للشتون الاسلامیه.
۱۶. غروی، سید محمد و دیگران (۱۴۱۹)، الفقه علی المذاهب الاربعة و مذهب اهل البيت عليهم السلام، بیروت: دارالتقلین.
۱۷. فیض کاشانی، محمد محسن (۱۴۰۶)، الوافی، اصفهان: کتابخانه امام امیرالمؤمنین علی عليه السلام.
۱۸. کاسانی، ابی بکر (بی تا)، بدائع الصنائع فی ترتیب الشرائع، بیروت: دارالکتاب العرب.
۱۹. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۱ق)، اصول کافی، ج ۴، بیروت: دارالتعارف للمطبوعات.
۲۰. کی نیا، مهدی (۱۳۷۳)، مبانی جرم شناسی، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
۲۱. مجلسی، محمدباقر (۱۳۶۳)، مرآة العقول فی الشرح اخبار آل رسول عليه السلام، تهران: دارالکتاب الاسلامیه.



۲۲. مرعشی، سید محمدحسن (۱۳۷۳)، دیدگاه های نو در حقوق کیفری اسلام، تهران: نشر میزان.
۲۳. مفید بغدادی، محمد بن محمد (۱۴۱۳)، أحكام النساء، قم: کنگره جهانی هزاره شیخ مفید.
۲۴. موسوی بجنوردی، سیدحسن (۱۳۸۴)، مجموعه مقالات زن و حقوق کیفری، تهران: سلسبیل.
۲۵. موسوی خمینی، سید روح الله (۱۳۷۴)، تحریر الوسیله، چ ۶ قم: مؤسسه مطبوعات دار العلم.
۲۶. موسوی خمینی، مصطفی (۱۳۸۵)، تحریرات فی الاصول، تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی علیه السلام.
۲۷. میرمحمد صادقی، حسین (۱۳۸۶)، جرائم علیه اشخاص، تهران: نشر میزان.
۲۸. ناصری مقدم، حسین (۱۳۸۸)، «اصل سهولت و مدارا در اندیشه و سیره امام موسی صدر»، همایش امام موسی صدر، انسان عقل و اخلاق، مشهد: دانشگاه فردوسی.
۲۹. نجفی، محمدحسن (۱۳۷۰)، جواهر الکلام فی شرایع الاسلام، قم: صدرا.
۳۰. نوری طبرسی، میرزا حسین (۱۴۰۸)، مستدرک الوسائل، چ ۲، قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۱. نیکزر، نیکو و حسین ابویی مهریزی (۱۳۹۷)، «تأثیر جنسیت زنان بر تخفیف مجازات جرایم حدی در فقه امامیه»، سومین کنفرانس پژوهش در فقه، حقوق و علوم اسلامی.
۳۲. ولایتی، فاطمه (۱۳۹۰)، موارد تخفیف مجازات زنان، تهران: نشر بینه.
۳۳. اخوت، محمد علی (۱۳۸۵)، تفصیل مسائل حقوق جزای عمومی، تهران: نشر صابریون.
۳۴. پاینده، رحیمه (۱۳۹۳)، بررسی تاثیر عامل جنسیت در تخفیف مجازات بانوان در فقه جزا و قوانین موضوعه ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد، فقه و مبانی حقوق اسلامی.